

خبر

اسطوره‌های کمدی تاریخ سینما

فرزاد مظفری

از میان ستارگان پرتعداد سینمای کمدی این روزها کمتر چهره سرشناسی است که در قید حیات باشد.

جری لوییس یکی از مشهورترین بازیگران کمدی تاریخ سینما شنبه ۲۸ مرداد در ۹۱ سالگی درگذشت. لوییس در اوج فعالیت حرفه‌ای جزو گرانترین و محبوب‌ترین ستاره‌های هالیوود بود که آثارش در ایران با دوبله حمید قنبری طرفداران بسیار داشت. حالا با درگذشت لوییس که از آخرین بازماندگان دوران اسطوره‌های کمدی محسوب می‌شود؛ فرصت آن رسیده که از برخی کمدین‌های سرشناس که همچان در قید حیات هستند؛ یادی شود و همچنین خاطرات خوش شاخص‌ترین چهره‌های مطرح سینمای کمدی مرور شود، مروری بر زندگی بزرگانی که در تمامی دوران کاری خود صدای قهقهه را در سالن‌های سینما بلند کردند. بنابراین با این فرض که پیش و پس از جری لوییس بازیگران بسیاری در عرصه کمدی درخشیده‌اند نگاهی به زندگی برخی از شاخص‌ترین چهره‌های کمدی از سال‌های دور تا امروز صورت می‌گیرد.

باستر کیتون

جوزف فرانک کیتون هنرپیشه سرشناس آمریکایی سال ۱۸۹۵ در کانزاس به دنیا آمد. پدر و مادرش هر دو بازیگر بودند و از این روی کیتون در کودکی وارد عرصه بازیگری شد. «ژنرال»، «استیمیوت بیل جونیور» و «هفت شانس» برخی از فیلم‌های مشهور باستر کیتون است. او آخرین فیلمش با عنوان «رویدادی بانمک در مسیر فروم» را در حالی ساخت که مبتلا به سرطان شده بود. کیتون سال ۱۹۶۶ از دنیا رفت.

چارلی چاپلین

با شنیدن کمدی در سینمای بی‌شک نخستین‌نام در ذهن بسیاری چارلی چاپلین کمدین مشهور انگلیسی است. او را در کاراکتر ولگرد با آن کت‌وشلوار مندرس و عصای معروف نمی‌توان نادیده گرفت. او نویسنده، کارگردان، آهنگساز، تهیه‌کننده و بی‌شک نماد سینمای صامت بود.

چاپلین سال ۱۸۸۹ در لندن به دنیا آمد و سال ۱۹۷۷ در سوئیس از دنیا رفت. از مشهورترین فیلم‌های او می‌توان به «عصر جدید»، «جویندگان طلا»، «روشنایی‌های شهر» و «بیکاتاتور بزرگ» اشاره کرد.

نورمن ویزدوم

نورمن ویزدوم یکی از کمدین‌های سرشناس انگلیس است که در دهه‌های نخست قرن بیستم توانست صدای خنده را در سالن‌های سینما بلند کند. با فعالیت در سینما را از سال ۱۹۴۸ آغاز کرد و با کلاه پارچه‌ای و کت و شلوار گشاد معروفش در بیش از ۳۰ فیلم به بازی پرداخت. او در سال ۲۰۰۰ برای فعالیتش در زمینه هنر و سرگرمی از دربار سلطنتی بریتانیا لقب شوالیه گرفت. ویزدوم در نودمین سالروز تولدش، (۴ فوریه ۲۰۰۵) از فعالیت هنری کناره گرفت و به بیش از نیم قرن حضور در عرصه سینما و تلویزیون پایان داد. او در سال ۲۰۱۰ حالی که ۹۵ سال سن داشت، درگذشت تا خاطره آثار پرتعدادش را برای دوستدارانش به یادگار بگذارد.

هارولد لوید

هارولد لوید از محبوب‌ترین و سرشناس‌ترین کمدین‌های دوره سینمای صامت است. او که به عنوان بازیگر آثار کمدی وارد سینما شد؛ در ادامه مسیر بیشتر به سمت تهیه‌کنندگی گرایش پیدا کرد. دوستداران آثار این بازیگر او را با عینک مشهوری که همواره بر چشم داشت و ظاهر و لباس‌های همیشه مرتبش به خاطر می‌آورند، البته همواره کمی دست و پا چلفتی ضمیمه رفتار و حرکات این بازیگر در فیلم‌هاش بود. لوید سال ۱۸۹۳ در نبراسکا متولد شد و در حالی که ۷۷ سال سن داشت، هشتم مارچ ۱۹۷۱ درگذشت. «یعنی آخر از همه» و «دانشجوی سال اول» از جمله فیلم‌های مشهور این کمدین است.

استن لورل

سال ۱۸۹۰ در خانواده‌ای تئاتری در انگلستان به دنیا آمد و از ۱۶ سالگی روی صحنه نمایش نقش ایفا کرد. پس از مهاجرت به آمریکا نخستین بار در سال ۱۹۲۱ در فیلم کوتاه «سگ خوش‌شانس» کنار اولیور هاردی بر پرده سینما ظاهر شد تا زوج موفق «لورل و هاردی» را شکل گیرد. زوج هنری آن‌ها سالیان روز به درخشش ادامه داد و رابطه‌شان به حدی نزدیک بود که استن لورل پس از مرگ اولیور هاردی به شدت دچار افسردگی شد. او همواره با اغوش باز پنداری خبرنگاران و هوادارانش بود و حتی شماره تلفنش در کتابچه عمومی تلفن وجود داشت. پیتر سلرز با جری لوئیس از هواداران پر و پا قرص او بودند و در دهه ۶۰ جری لوئیس سعی بسیار کرد که او را راضی به ایفای نقش در یکی از پروژه‌هایش کند اما هر بار با مخالفت او روبرو شد. استن لورل سال ۱۹۶۵ در آمریکا چشم از جهان فروبست.

پیتر سلرز

پیتر سلرز دیگر کمدین مشهور انگلیسی و به اعتقاد بسیاری از بزرگترین بازیگران کمدی تاریخ سینما بود. سری فیلم‌های «پلنگ صوتی» از مشهورترین آثار سلرز در کنار فیلم‌هایی چون «دکتر استرنج لاول» و «حضور» است. سلرز سال ۱۹۲۵ در خانواده‌ای اهل هنر به دنیا آمد و در جوانی در جنگ جهانی دوم شرکت داشت. او در سال ۱۹۸۰ چشم از جهان فروبست.

لوی دوفونس

بر ایران با صدای عزت‌الله مقبلی و بعداً اصغر فرشتکیان شناخته شده بود. لوی دوفونس فرانسوی در فیلم‌هایی چون «هالو»، «آشپزباشی» و «اندامر سنت‌تروپه» نمونه‌های موفقی از نقش آفرینی کمدی را به نمایش گذاشته بود. دوفونس سال ۱۹۱۵ به دنیا آمد و سال ۱۹۸۳ چشم از جهان فروبست.

وودی آلن

فیلمساز سرشناس آمریکایی نیز از پیشگامان عرصه کمدی سینمای آمریکا به شمار می‌رود. او علاوه بر کارگردانی و نویسندگی در بسیاری از آثار خود نقش‌آفرینی کرده است. آلن متولد سال ۱۹۳۵ است و در فیلم‌هایی چون «آنی هال»، «پول را بردار و فرار کن» و «لیگ» نقش آفریده است. فیلم‌های آلن پر از اراجاع به چهره‌های سرشناس ادبی و آثار آن‌ها است و در اغلب آثارش می‌توان نشانی از یک شخصیت نویسنده یافت. او سال‌هاست که با عینک و ظاهر معروفش آثار کمدی زیبایی خلق و در برخی از موفق‌ترین‌هایش بازی کرده است.

رابین ویلیامز

رابین ویلیامز پیش از اینکه گام در راه بازیگری بگذارد مدت کوتاهی در رشته علوم سیاسی تحصیل کرد. او بازیگری را با تحصیل در مدرسه جولیارد آغاز کرد و آنجا بود که جان هاوسمن بازیگر سرشناس انگلیسی به استعداد شگرف او در استندآپ کمدی پی برد. هاوسمن به او گفت به جای تلف کردن وقتش در مدرسه سراغ استندآپ کردن برود.

ویلیامز در ده‌بندی مجله امپایر از ۱۰۰ بازیگر برتر تاریخ که سال ۱۹۹۷ منتشر شد در جایگاه شصت‌وسوم جای گرفت و همان سال در نظرسنجی اینترتینمنت‌ویکلی عنوان بازمه‌ترین فرد زنده جهان را از آن خود کرد. بازیگر زنده جایزه اسکار در دهه هفتاد به چهره‌های سرشناس ادبی و ۱۱ اوت سال ۲۰۱۴ در خانه‌اش پیدا شد.

جیم کری

جیم کری اوایل دهه ۹۰ با بازی در سریال تلویزیونی «با رنگ زنده» به شهرت رسید و با درخشش در فیلم‌های سینمایی «پس وتوتورا: کارآگاه حیوانات»، «حقم و احمق‌تر» و «ماسک» به یکی از ستاره‌های کمدی هالیوود تبدیل شد. او در بسیاری از فیلم‌ها نقش مردی با زندگی معمولی را بازی می‌کند که در اثر رویدادی ناگهان زندگی‌اش زیر و رو می‌شود. در «ماسک» نقابی جادویی پیدا می‌کند که با او قدرتی فرابشری می‌دهد، در «دروغ‌گو دروغ‌گو» وکیلی است که با به حقیقت پیوستن آرزوی پسرش دچار مشکل می‌شود و در «حمایش ترومن» پی می‌برد که تمام زندگیش بخشی از برنامه تلویزیونی است. کری سال ۱۹۶۲ در کانادا به دنیا آمد و اکنون شهروند آمریکا است.

البته این چند نفر تنها نمونه‌ای از بزرگان کمدی جهان بودند و نام‌های بسیاری چون جان بلوشی، مل بروکس، روان اتکینسون، بیلی کریستال، دنی دویتو و ریک مورائیس هستند که پرداختن به تمام آن‌ها در این یادداشت نمی‌گنجد.

{فر هنگ و هنر }

نگاهی به کتاب «دیوانه‌های فوتبال» اثر دومینیک آتون و دنی دایر، ترجمه وحید نمازی

دنیای عجیب و خونین هولیگان‌ها!

هوشیار مجتبیو

جورج اورول، نویسنده شهیر بریتانیایی و صاحب رمان های «قلعه حیوانات» و «۱۹۸۴» جایی گفته است «فوتبال، جنگ بدون تیراندازی است»؛ این جملهی اورول را هم باید به حساب پیش‌بینی‌های محتومش از دنیای معاصر گذاشت، چون به راستی به وقت و زمانه‌ی او این بازی تا این حد پرربینده و هولناک نبود…

یک

نفس می‌کشم… چند بار پشت سر هم، و می‌فهمم که از هوا خالی نمی‌شوم… مستطیل بزرگ سبز از جایگاه تماشاگران، آن بالای ورزشگاه، مثل کره زمین است… حتا کمی مدور به نظر می‌آید… شاید به خاطر انحای دیوار بزرگ گرداگرد این مستطیل سبز

است… به خودم می‌گویم چقدر همه چیز شبیه یک جنگ تمام عیار است، و ما از این بالا چقدر مسلط بودیم به این جنگ تمام عیار… حسن رستگار توپ را به هیچ کس پاس نمی‌دهد و عینتپو اسب می‌دود… درست از کنار خط راست زمین… سرش را کمی بالا نمی‌گیرد تا محمدی را سمت چپش ببیند که چه فضای خالی‌ای دارد… بالاخره می‌بینند… شاید هم وقتی می‌بینند که دو سه مدافع حریف احاطه‌اش کردند و ناگزیر است پاس بدهد… محمدی یک شوت زن است… یک شوت زن درست و حسابی… یکی از محکم‌ترین ضربه‌های عمرش را روانه دروازه می‌کند… تف به این شانس… با یکی دو وجب اختلاف، توپ سفید مثل گردباد از کنار تیر دروازه رد می‌شود… با همه طرفدارانی که این سوی ورزشگاه نشسته‌یم می‌گوییم: وای!!!… آن سوی ورزشگاه، همه یک صدا می‌گویند: چیبیبیز…

مثل لشکر مورچه‌ها می‌ریزیم بیرون… چند دسته کوچک از هواداران فوتبال داشتند با موتورها و ماشین‌های‌شان بوق بوق می‌کردند… چند دسته بزرگتر هم در حال دعوای خیابانی بودند…

هوا کاملا تریاک شده است… با یک مینی بوس می‌آیم آزادی… آزادی که پیاده می‌شوم به خودم می‌گویم بقیه راه را پیاده بروم… شهر خلوت بود… نمی‌دانم چرا رفته بودم ورزشگاه… سال‌ها بود که نرفته بودم… ترسیده بودم عصر جمعه توی خانه بپکم از فرط ملال…

دو

«دیوانه‌های فوتبال» نام کتابی است به نوشته دومینیک آتون همراه با دنی دایر که شامل روایت‌های تکان دهنده‌ی حقیقی از سخت‌ترین هواداران فوتبال دنیاست. این کتاب را یک عشق فوتبال، وحید نمازی ترجمه کرده است. این کتاب محصول نه سفر در ۹۰ روز است توسط نویسنده‌های کتاب، یک مدیر تولید، یک کارگردان، و یک محقق به کشورهای کرواسی، صربستان، لهستان، هلند، برزیل، آرژانتین، روسیه، ترکیه و ایتالیا. آن‌ها پیش از این مجموعه تلویزیونی با موضوعیت هولیگان‌ها یا تماشاگرنماها ساخته بودند و حالا به دنبال ساختن کاری کامل‌تر بودند. این کتاب به نوعی نتیجه‌ی بخش‌های محذوف و تدوین نشده اثر آن‌هاست: کتابی درباره دیوانگان فوتبال.

«دیوانه‌های فوتبال» شامل یک پیشگفتار، مقدمه مترجم که نشان می‌دهد خودش چقدر عشق فوتبال است، و نه فصل اصلی است. فصل اول: بازگشت به خانه، فصل دوم: بالکان‌ها، فصل سوم: لهستان، فصل چهارم: هلند، فصل پنجم: برزیل، فصل ششم: آرژانتین، فصل هفتم: روسیه، فصل هشتم: ترکیه و فصل نهم: ایتالیا. تماشاگرنماها یا همان هولیگان‌های انگلیسی احتمالا بدنام‌ترین هولیگان‌های جهان هستند… یک گروه کوچک از آن‌ها برای وحشت در دل شهری بزرگ کافی است… تا چندی پیش که هولیگان‌های انگلیسی مشهورترین تماشاگرنماها بودند اما رفته رفته این بیماری فوتبالی در

کشورهای دیگر نیز شایع شد… البته با خواندن کتاب «دیوانه‌های فوتبال» متوجه می‌شوید که تماشاگران ایرانی با تمام رفتارهای گاه زنده‌شان شاید یکی از بهترین تماشاگران در دنیا باشند. شاید بدترین جنگ تماشاگران بریتانیایی مربوط به نزاع هواداران دیوانه لیورپول در استادیوم هیسل بلژیک با یووه‌ای‌ها باشد. اتفاقی که منجر به سقوط یک دیوار و کشته شدن ۳۹ نفر از توریستی‌ها شد. باشگاه‌های انگلیس بعد از این ماجرا برای پنج سال از حضور در رقابت‌های باشگاه‌های اروپا محروم شدند، لیورپولی‌ها با یک سال بیشتر ۶ سال از این رقابت‌ها کنار رفتند. اما خوشونت هنوز هم که هنوز است به تندی در فوتبال بریتانیا در جریان است. سال‌های ۱۹۹۰، ۱۹۹۲، ۱۹۹۵، ۱۹۹۸، ۱۹۹۸، ۲۰۰۰ هم رویدادهای وحشتناکی از سوی هولیگان‌های انگلیسی به وقوع پیوست. اما خوب، همچنان که گفته شد، این بیماری خیلی زود در کشورهای دیگر هم فراگیر شد.

بالکان در ترکی یعنی کوههایی پوشیده از درخت. نام شبه جزیره‌ای است در جنوب شرقی اروپا که شامل کشورهای یونان، آلبانی، بلغارستان، یونسی و هرزگوین، کرواسی، اسلونی، مقدونیه، صربستان، مونه نگرو، رومانی و بخش اروپایی ترکیه می‌شود. شاید یکی از افراطی‌ترین و تندروترین تماشاگران دنیا در فوتبال صربستان و البته کرواسی باشند.

«ربی بزرگ بلغراد، چنان رقابت‌وحشتناکی را بین هواداران تیم‌های ستاره سرخ (تشکیلات دلیه) و پارتیزان (تشکیلات گورکن‌ها) در صربستان ایجادمی‌کند که دربی بزرگ رنجرز-سلتیک در اسکاتلند، در مقابل آن مثل یک بازی کودکانه جلوه می‌کند و به یک پیک نیک آرام می‌ماند!» علاوه بر تلافاتی که معمولاً بازی‌های باشگاهی این کشورها می‌گیرد، کافی است سری بزنید به استادیوم‌های محل برگزاری بازی‌های این دو کشور، یعنی کرواسی و صربستان فعلی.

دیوانه‌های فوتبال در لهستان و روسیه، دو کشور سرد، نیز دست کمی از بعضی از کشورهای حوزه بالکان ندارند. حتی هلند، که به لیبرال‌ترین کشور اروپایی با مردمانی مرفه مشهور است، بازی‌های وحشتناکی را در بازی‌های باشگاهی‌اش تجربه کرده و می‌کند. محبوب‌ترین فوتبال جهان را برزیلی‌ها دارند، همچنان که پرافتخارترین تیم فوتبال جهان نیز فوتبال برزیل است. بنا به روایت کتاب «دیوانه‌های فوتبال» در عین حال در این کشور می‌توان تندروترین هولیگان‌های فوتبال جهان را نیز پیدا کرد. هوادارانی که گاه به سلاح گرم مجهزند: «انگشتان جامعه‌ی برزیل روی ماشه است. در سال ۲۰۰۵ در لندن، ۱۷۵ قتل رخ داد. در همان سال در ریو، این آمار ۶۶۲۰ قتل بود. این آمار در سطح ملی به شکل دیوانه‌واری درمی‌آید؛ هر سال حدود چهل هزار نفر با سلاح گرم در این کشور کشته می‌شوند.»

در آرژانتین وضع بهتر از برزیل است اما نه آن قدر که با خیال راحت به استادیوم‌های فوتبال‌شان بروید. در ترکیه وضع خراب‌تر است. هواداران گالاتاسرای، فنرباغچه و بشیکتاش اصلا با هواداران تیم‌های رقیب شوخی ندارند. آن‌ها به وفور تجربه آدم کشی هم داشته‌اند. فصل آخر کتاب «دیوانه‌های فوتبال» به ایتالیا اختصاص دارد؛ کشوری که میراث دار خشونت در فوتبال از سوی انگلیسی‌هاست. به عبارت دیگر، اگر انگلستان زادگاه هولیگان‌هاست، اکنون ایتالیا سرزمین هولیگان‌های مناخر است. ایتالیا به راستی اکنون سرزمین گلابیاتورهای مدرن است.

سفر نویسندگان کتاب «دیوانه‌های فوتبال» به نه کشوری که ذکرش رفت، روایت بکری از تماشاگرنماها و دیوانه‌های فوتبال دنیا به ما ارائه می‌دهد. این روایت هر چه که باشد، سراسر، تکان دهنده و واقعی است. خواندن این کتاب از سوی مخاطبان ایرانی از چند جهت سودمند است. با خواندن این کتاب می‌فهمیم چقدر هواداران تیم‌های مختلف اروپایی و جهانی سازمان دهی شده هستند، چقدر دنیای امروز تماشاگران فوتبال بر لبه‌ی تیغ بدوی‌گرایی قرار گرفته، و در نهایت می‌فهمیم چقدر می‌توان با وحشی‌گری تام و تمام فاصله‌ای اندک داشت.

نگاهی به کتاب «خانه لهستانی‌ها» اثر مرجان شیرمحمدی

یک رمان رئالیستی با چاشنی خشونت!

باشیم. این کاری است که البته مرجان شیرمحمدی پیشتر هم انجام داده است، اما شاید در میان تمامی آثارش «خانه‌ی لهستانی‌ها» در این زمینه بیشتر موفق بوده است. این ویژگی احتمالا برآمده از رئالیسم موفقی است که نویسنده توانسته در این رمان اجرا کند.

مرجان شیر محمدی در آخرین رمانش بن‌مایه‌های اجتماعی مهمی را برساخته است. در «خانه‌ی لهستانی‌ها» رویکرد مستقیم و گاه غیر مستقیم نویسنده در برسازِ خرده‌روایت‌هایی اجتماعی که نهایتاً شکلی منسجم به خود می‌گیرد، از مهمترین ویژگی‌هاست. این کتاب از این جهت می‌تواند مورد توجه جامعه‌شناسان قرار بگیرد؛ خصوصا جامعه شناسانی که میل به واکاوی مسائل اجتماعی پیش از انقلاب دارند. یکی از موتیف‌های دیگر رمان «خانه‌ی لهستانی‌ها» مسئله خشونت است. «خشونت» در این رمان گاه به شدت کم رنگ و در لایه‌های درونی متن، و گاه عریان و شفاف ظهور پیدا می‌کند. این خشونت برآمده از استیصال و اوج درمادگی شخصیت‌هایی است که به لحاظ اجتماعی، اقتصادی و عاطفی به بن بست رسیده‌اند. هنر نویسنده کتاب در بیرون کشیدن خلا‌های شخصیتی کاراکترهای داستان‌ش در موقعیت‌های مختلف است. طی شکل گیری داستان اصلی بارها مخاطب با این موقعیت‌ها رو به رو می‌شود و شاید خود او نیز به تدریج خشونتی که برآیند این موقعیت‌هاست را پیش بینی کند. این مسئله یکی از نقاط پرکشش قصه «خانه‌ی لهستانی‌ها» را می‌سازد.

مرجان شیرمحمدی احتمالا برای ساختن دنیای «خانه‌ی لهستانی‌ها» و شخصیت‌هایی که در آن زندگی می‌کنند وقت ویژه‌ای برای پژوهش‌های پیشانگاری صرف کرده است. طی مطالعه داستان متوجه می‌شوید همه چیز روی نقطه درستی قرار گرفته است. مکان و زمان داستان به ظرافت و دقت توصیف و در نهایت ساخته شده است، و شخصیت‌ها رفتاری کاملا مطابق با این شرایط زمانی-مکانی دارند. همه این‌ها موجب می‌شود رمان «خانه‌ی لهستانی‌ها» برای مخاطب شکلی تصویری و گاه سینمایی به خود بگیرد. همین طور که می‌دانیم بخش مهمی از فعالیت‌های مرجان شیر محمدی به عنوان سناریست و بازیگر در سینماست. او می‌داند برای اینکه مخاطب پای قصه‌ای بنشیند و با آن همذات پنداری کند چطور باید قصه گوئی کند. با اینکه شیرمحمدی در رمان «خانه‌ی لهستانی‌ها» بالطبع از امکانات تصویری و ابزار سینما برخوردار نبوده، اما توانسته است داستانی شنیدنی و گاه دیدنی برای‌مان روایت کند. روایت سراسرت او در این کتاب ما را صاحب یکی از رمان‌های خوب چند سال اخیرمان در میان آثار رئالیستی کرده است.

مخاطب «خانه‌ی لهستانی‌ها»، بی شک از زمره علاقه‌مندان به ادبیات داستانی و داستان فارسی خواهد بود. در این میان مخاطبانی که بیش از همه، دوست دارند کتابی قصه مند در دست بگیرند، «خانه‌ی لهستانی‌ها» بیشتر خوشایندشان خواهد افتاد.

خبر

فیلمنامه «پایتخت ۵»

تکمیل شد



بخش فرهنگی – خشایار الوند نویسنده سریال «پایتخت ۵» بیان کرد که احتمالاً این فصل آخرین فصل از سریال خواهد بود و به همین دلیل تلاش دارند که بهترین «پایتخت» را بسازند.

خشایار الوند در گفتگو با مهر درباره مجموعه «پایتخت ۵» و اینکه این روزها در چه مرحله ای قرار دارد، بیان کرد: سریال «پایتخت» قرار است در ۱۵ قسمت به نگارش دربیاید که تاکنون حدود ۱۳ قسمت از آن نوشته شده است و این روزها در مراحل پایانی نگارش شد. حساسیت هستیم.

وی با اشاره به حساسیت هایی که برای نگارش فیلمنامه این مجموعه وجود دارد، اظهار کرد: ما با وسواس عین دیالوگ ها را سر صحنه کار می کنیم و فیلمنامه به گونه ای است که امکان ندارد بتوان به صورت بداهه و بدون متن سر صحنه کار کرد.

الوند با اشاره به ویژگی های این فصل از سریال «پایتخت» اظهار کرد: ما تلاش کردیم که این سریال به لحاظ لوکیشن و موقعیت های بصری با باقی فصل ها فرق کند و به همین دلیل جذابیت های زیادی دارد. فضاها در این فصل دایم عوض می شود و تنوع و تغییر بسیاری داریم و شخصیت ها و قصه درگیر چالش هایی می شوند که در فصل های قبلی وجود نداشته است.

این نویسنده در پایان با اشاره به اینکه ممکن است «پایتخت» دیگر ادامه نداشته باشد، عنوان کرد: از آنجایی که احتمال دارد این سریال آخرین فصل از «پایتخت» باشد ما تلاش داریم که بهترین «پایتخت» را بسازیم.

سریال «پایتخت ۵» به کارگردانی سیروس مقدم و تهیه کنندگی الهام غفوری این روزها در حال تصویربرداری است که محسن تنابنده، احمدمهرانفر، علیرضا محسنه، ریما رامین فر، نسرین نصرتی، هومن حاجی عبدالهی، بهرام افشاری، سارا و نیکا فرقانی در آن مشغول به ایفای نقش هستند.

●●●●●

ترجمه‌های تازه مهدی غبرایی

بخش فرهنگی – مهدی غبرایی از کتاب‌هایی که اخیراً ترجمه کرده است، گفت.

این مترجم در گفت‌وگو با ایسنا، درباره ترجمه‌های جدید خود گفت: کتاب سه‌جلدی ۱۸۴ اهاروکی موراکامی را تازه ترجمه کرده‌ام. این کتاب مراحل نهایی خود را طی می‌کند، حروف‌چینی دو جلد را خوانده‌ام که بعد وارد مرحله صدور مجوز و داستان‌های غم‌انگیز شود. ترجمه این کتاب را به نشر نیکا وابسته به انتشارات جیحون سپرده‌ام.

او درباره موضوع کتاب ۱۸۴ بیان کرد: این کتاب ماجرای دختری است که درصد انتقام از مردانی است که زن‌های خود و گاه دیگران را مورد اذیت و آزار قرار می‌دهند. این دختر با کمک بیهوشی که دخترش مورد آزار و اذیت قرار گرفته است، درصد قتل آن‌ها برمی‌آورد.

غبرایی افزود: این کتاب با صبغه جنایی شروع شده و به یک داستان عاشقانه ختم می‌شود. در واقع این دختر در دوره ابتدایی با پسری هم‌کلاس بوده است که از همان دوره عشق کودکانه نسبت به او داشته و در نهایت با کش و قوس‌های بسیار زیاد این دختر و پسر یکدیگر را پیدا می‌کنند و ادامه ماجرا… در کنار این داستان، موراکامی نهادها و سازمان‌های مخفی را که در جامعه ژاپن وجود دارند و با دولت مبارزه می‌کنند بررسی می‌کند.

او با بیان این‌که ترجمه رمان «چوب نروژی» از موراکامی نیز همراه منتشر خواهد شد، درباره داستان این کتاب گفت: این کتاب درباره داستان دختر و پسری است که در دوره دانشگاه عاشق هم می‌شوند اما دختر گرفتار بیماری روانی شده و در بیمارستان بستری می‌شود، که این عشق بی‌فرجام می‌ماند. در واقع کتاب «چوب نروژی» تب و تاب و سوز و گداز این عشق است.

این مترجم با بیان این‌که هر دو از این کتاب‌ها تم عاشقانه‌ای دارند، اظهار کرد: به کتاب «۱۸۴»

صبغه جنایی اضافه شده اما کتاب «چوب نروژی» عاشقانه خالص است. می‌توان گفت رمان «چوب نروژی» از سراسر‌ت‌ترین رمان‌های موراکامی است و از عجایب رایج در کتاب‌های او و رئالیسم جادویی که در کتاب‌هایش استفاده می‌کند، خبری نیست. در واقع او خواسته تجربه تازه‌ای انجام دهد و بگوید من می‌توانم رمان کلاسیک مدرن هم بنویسم. موراکامی به تاسی از کتاب «گتسیسی بزرگ» و «اتاتور دشت» که آن‌ها را به زبان ژاپنی ترجمه کرده است این کتاب را نوشته، اما به نظر من کتاب «چوب نروژی» یک سر و گردن از آن‌ها بالاتر است، البته این موضوع ادعای شخصی من است و ممکن است دیگران آن را قبول نداشته باشند.